

خدا در فلسفه (۱)

ایران باستان

گزارش های بدست آمده از آن دوران نشان می دهد که فیلسوفانی مانند سهروردی و حکما آن دوران شناختی روشن از مبدا هستی داشته اند. آنان خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند.

یونان باستان

فیلسوفان بزرگ یونان از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو در جامعه ای زندگی میکردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدا و منشا یک حقیقت در جهان می شمردند.

دوره جدید اروپا

با شکل گیری دوره جدید اروپا از قرن های چهاردهم و پانزدهم و پیدایش دو جریان عقل گرا و حس گرا / تجربه گرا در فلسفه درباره خدا نیز دیدگاه های مختلفی ظهور کرد.

دکارت که فیلسوفی عقل گرا بود در یکی از استدلال های خود می گوید:

(من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. این تصور نمیتواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی ام. این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است.)

دیوید هیوم که فیلسوفی حس گرا و تجربه گرا بود نظر خود را اینگونه بیان می کند:

(دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد. بر اساس نظم موجود جهان شما حداکثر می توانید یک ناظم و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.)

کانت که فیلسوفی عقل گرا بود در مورد اثبات خدا میگوید:

(انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی کردن نیز باید پایبند به اخلاق باشد وگرنه هر چه و مرج در زندگی اجتماعی پیش می آید. پس روح که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است و چون موجودی جاودانه است برای سعادت دائمی خود به ماوراء دنیای ما نیاز دارد و چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است)

خدا و معناداری زندگی

بعد از کانت فیلسوفان حس گرا و تجربه گرا که جریان غالب فلسفی در اروپا را تشکیل می دادند و براساس نظرشان به دو دسته تقسیم شدند:

۱. یک دسته مانند هیوم و کنت بر آن بودند که چون ما ابزاری جز حس و تجربه نداریم یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم.

۲. دسته ای دیگر مانند ویلیام جیمز و برگسون از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.

در قرن بیستم و بیست و یکم دسته ای از فیلسوفان به رابطه ای میان (اعتقاد به خدا) و (معناداری زندگی) توجه کردند مانند فیلسوفان زیر:

کرکگور می گوید: ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند و خداوند انسان مومن را بر می گزیند و به او ایمان هدیه می دهد و اگر کسی شایسته آن نباشند زندگی تاریکی سپری خواهد کرد.

کاتینگهام نیز معتقد است: قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار میدهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه حس کنیم در جهان بیگانه ای افتادیم که هیچ امری در نهایت در آن اهمیتی ندارد می توانیم پناهگاهی بیابیم.

سوالات تستی

۱- کدام فیلسوف را می توان ابداع کننده خدانشناسی فلسفی دانست؟

۱-سقراط ۲-افلاطون ۳-دکارت ۴-ارسطو

۲- دکارت خدا را از چه طریقی اثبات میکند؟

۱-نظم موجود در جهان ۲-تصوری که ما از او در ذهن داریم

۳-تجربه های درونی انسان ۴-ضمانت اصول اخلاقی

۳- کانت سعی می کند تا وجود خداوند را از طریق استدلالی بر مبنای اثبات کند.

۱- وجود جهانی نامتناهی ۲- اخلاق و وظایف اخلاقی

۳- تصور یک وجود نامتناهی ۴- نظم موجود در جامعه انسانی

۴- کدام گزینه از اوصاف خداوند در فلسفه افلاطون محسوب نمیشود؟

۱- ثابت بودن ۲- نامحسوس بودن ۳- جاودان بودن ۴- تکامل یافتن

۵- آنچه افلاطون را از فیلسوفان پیش از او در مباحث خدانشناسی جدا می کند چیست؟

۱- اعتقاد افلاطون به خدایی یگانه و معین ۲- صحبت از خدا با دقتی فلسفی و استدلالی

۳- غیر مادی و مجرد انستن خداوند ۴- اعتقاد او به جاودانگی هستی برتر

۶- بر اساس قواعد فلسفی مربوط به رابطه علیت می توان گفت برهان دکارت برای اثبات وجود خدا بر..... استوار است.

۱- سنخیت علت و معلول ۲- وجوب علی و معلولی

۳- تقدم وجوب بر وجود ۴- نفی اتفاق

۷- مهم ترین نقد به برهان اثبات خدای کانت چیست؟

۱- وجود یک واجب الوجود بالذات را پیش فرض گرفته است

۲- بر مبنای تصور ذهنی یک موجود نامتناهی استوار است

۳- نیاز انسان به وجود خدا را اثبات می کند نه وجود او را

۴- الزام انسان به رعایت اخلاق را اثبات می کند نه وجود خدا را

۸- منظور دقیق فیلسوفان معاصر از زندگی «معنا دار» چیست؟

۱- زندگی بر اساس فرامین و دستورات الهی ۲- زندگی سرشار از تجربه های عرفانی و معنوی

۳- زندگی دارای هدف و ارزش های اسلامی ۴- زندگی غیر روزمره و همراه با تفکر فلسفی

۹- خدایان هنر ، باران ، خویشنداری در یونان باستان به ترتیب چه نام داشتند؟

۱- زئوس- آپولون- آرتمیس ۲- آپولون- آرتمیس- زئوس

۳- آرتمیس- زئوس- آپولون ۴- آپولون- زئوس- آرتمیس

۱۰- کدام مورد در خصوص اعتقاد حکمای ایران باستان نادرست است؟

۱- اصل سنخیت در خالق و مخلوق را رعایت کرده اند

۲- از آن جا که بهمن مجرد است هیچ ماهیتی ندارد و سراسر وجود است

۳- خداوند با اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد

۴- خداوند با اشراق خود پدیده ها را خلق می کند

۱۱- تفاوت خدای افلاطون با خدای یونان در کدام گزینه دقیق تر است؟

۱- خدای افلاطون یگانه، آگاه و نامعین است

۲- هدفدار، آگاه و هستی پیوسته و ثابتی دارد

۳- همواره پایدار ، غایتمند ، و آگاه که قابل وصول عقلی است

۴- خدایی معین با ویژگی های روشن

۱۲- از نظر.....مبدع خدشناسی فلسفی.....است.

۱- تیلور- سقراط ۲- برگسون- سقراط ۳- تیلور- افلاطون ۴- برگسون- افلاطون

۱۳- کدام گزینه در در مورد استدلال های ارسطو در رابطه با وجود خداوند نادرست است؟

۱- جزء نخستین استدلال ها هستند

۲- به دلیل ابتدایی بودن جای بحث دارد

۳- برای استدلال های بعدی زمینه سازی کرده اند

۴- این طور نبود که بدون استحکام باشند

۱۴- ارسطو با چه برهان و استدلالی به اثبات وجود خدا برخاست؟

۱- مشاهده موجودات برتر از ماده- برهان انی

۲- نظم عالم هستی- برهان لمی

۳- نظم جهان هستی- برهان انی

۴- مشاهده مراتب بالاتر در موجودات مادی- برهان لمی

۱۵- با توجه به اندیشه های ارسطو نوع قضیه « یا موجودی برتر از ماده در کار نیست،

یا انتظام بر جهان حاکم است»، کدام است؟

۱- حقیقی ۲- مانعة الجمع ۳- مانعة الخلو ۴- انفصال ندارد